

دکتر دنیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۱۳ توسل به درخشش، فیلیپیان ۲: ۱۲-۳۰

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد رساله‌های زندان. این جلسه ۱۳، توسل به درخشش، فیلیپیان ۲: ۱۲-۳۰ است.

به سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس ما در مورد رساله‌های زندان خوش آمدید.

امیدوارم تا اینجا از مطالعه‌ی فیلیپیان با ما لذت برده باشید. ما به ابتدای فیلیپیان نگاهی انداختیم. اگر یادتان باشد، من یک مسابقه ترتیب دادم، با این موضوع که فیلیپیان در قرن اول خطاب به شهری به نام فیلیپی نوشته شده است.

این شهر، اگرچه ریشه یونانی داشت، اما به مستعمره روم تبدیل شده بود. من در مورد شرایط مذهبی و سیاسی آن نکاتی را به شما گفتم. اگر به خاطر داشته باشید، به شما اشاره کردم که در واقع، شهروندان این شهر خاص به نوعی تابعیت دوگانه خواهند داشت.

برای مثال، اگر شما به دلیل اینکه مستعمره روم بوده‌اید، یونانی به دنیا آمده باشید، شهروندی روم را دریافت می‌کنید. پولس از این موضوع به عنوان بخش بسیار مهمی از چارچوب بلاغی خود برای شکل دادن به گفتگوی خود در فیلیپیان استفاده خواهد کرد. من فضیلت بزرگ پولس را به شما یادآوری کردم، و آن این است که ما اغلب از این واقعیت غافل می‌شویم که پولس نامه‌های خود را با دعا آغاز می‌کند.

او در ادامه، به خاطر تأملاتش در مورد مردم و کلیسای که عمیقاً به آن اهمیت می‌دهد، از خدا سپاسگزاری خواهد کرد. این ویژگی‌های پولس، همانطور که او به فیلیپیان می‌پردازد، اگر به یاد داشته باشید، به خصوص در دو سخنرانی آخر در مورد فیلیپیان، من شروع به نشان دادن به شما کردم که چگونه پولس این مکالمه را آغاز می‌کند، نکات روشنی را که کلیسا باید بداند بیان می‌کند و شادی و هیجان خود را در مورد این کلیسا ابراز می‌کند، و سپس در واقع یک مکانیسم بسیار مهم، مکانیسم بلاغی، را که پولس در فیلیپیان استفاده می‌کند، ایجاد می‌کند، که اگر به یاد داشته باشید، من به شما یک کلمه بسیار مهم دادم، اما برای تلاش برای توضیح آن کلمه مهم، از مثال یا افرادی که افراد کلیدی جامعه یا چهره‌های محترم هستند به عنوان نمونه استفاده می‌کنم تا به عنوان افرادی که شایسته تقلید هستند، درس‌هایی بیاموزیم. او در آخرین سخنرانی ما ادامه داد که بگذارید نگرش مسیح، طرز فکر مسیح و فرونسیس مسیح در شما نیز باشد.

به عبارت دیگر، از مسیح الگو بگیرید و آن را الگوی خود قرار دهید. از آن به بعد، این قطعه‌ی فوق‌العاده را دریافت می‌کنیم. حدس می‌زنم احتمالاً با تلاش برای یادآوری این نکته که شواهد زیادی برای تأیید این واقعیت که این یک سرود مذهبی رایج است، نداریم، نمایش شما را خراب کردم. اما یک دقیقه این را فراموش کنید.

این قطعه‌ی فوق‌العاده‌ای است که به ما می‌گوید چگونه مسیح، به عنوان خدا، در اطاعت، به شکل انسان درآمد، در تجسم به سطح ما نزول کرد، به جای ما رنج کشید، و چگونه در نافرمانی، خدا او را بالاتر از همه سرافراز کرد و نام، شهرت و اقتداری برتر از هر نام دیگری به او بخشید، تا به نام عیسی مسیح، هر زانویی خم شود و هر زبانی اعتراف کند که عیسی خداوند است. این همان زمینیه‌ی اصلی متنی است که ما به آن نگاه می‌کنیم و من آن را «درخواست برای درخشش» می‌نامم. اطاعت و فروتنی مسیح به الگوی برای کلیسا تبدیل شده است.

فراتر از آن، از آیه ۱۲ فیلیپیان ۲، پولس در ادامه تصریح می‌کند که در واقع، اطاعت مسیح باید زمینه را برای دعوتی ریشه‌ای به اطاعت فراهم کند. و این جایی است که اکنون به آن نگاه می‌کنیم، و من می‌خوانم: بنابراین، عزیزان من، همانطور که همیشه اطاعت کرده‌اید، اکنون نه تنها در حضور من، بلکه بسیار بیشتر در غیاب من، نجات خود را با ترس و لرز به عمل آورید، زیرا خداست که در شما هم اراده می‌کند و هم عمل می‌کند تا به خشنودی او برسد.

همه کارها را بدون گله و شکایت و بحث انجام دهید، تا در میان نسلی کج و منحرف، بی‌عیب و بی‌گناه، فرزندان خدا، بی‌عیب و نقص باشید، که در میان آنها چون نور در جهان می‌درخشید و به کلام حیات پایبند هستید، تا در روز مسیح به خود ببالم که بیهوده ندویده‌ام و بیهوده زحمت نکشیده‌ام، حتی اگر قرار باشد، همچون هدیه‌ای بر قربانی ایمان شما ریخته شوم، من با همه شما شاد و خوشحال هستم. به همین ترتیب شما نیز باید با من شاد و خوشحال باشید. بنابراین، اجازه دهید توجه شما را به مواردی که در پایان سخنرانی قبلی به شما نشان دادم، جلب کنم و سعی کنم زمینه را برای بحث امروز در مورد «درخواست برای درخشش» فراهم کنم.

این متن خاص که من از آیات ۱۲ تا ۱۸ خواندم، زمینه را برای پیوند اطاعت از مسیح و به چالش کشیدن کلیسا برای داشتن زندگی شایسته انجیل فراهم کرد. اطاعت از مسیح به وضوح در آیه ۱۲ از سر گرفته می‌شود. مسیح حتی تا پای صلیب نیز مطیع بود، بنابراین من شما را به اطاعت ترغیب می‌کنم. بن ویتزینگتون، محقق در مدرسه الهیات آزربری، که اخیراً تفسیری بر فیلیپیان منتشر کرده است، در واقع استدلال می‌کند که اگر به تمام الگوهای فیلیپیان فصل ۲ از آیات ۱ تا ۱۸ نگاه کنید، الگویی از چارچوب بلاغی یونانی خواهید یافت که احتمالاً در دبیرستان آموخته‌اید.

و شاید وقتی معلم دبیرستانان به شما تذکر می‌داد، می‌گفتید، نه، چرا باید همه این چیزها را بدانم؟ خب، من این را به شما یادآوری می‌کنم. ویدرینگتون استدلال می‌کند که در فصل ۲، آیات ۱ تا ۴، پولس اخلاق را به عنوان بخش بسیار مهمی در نظر می‌گیرد. بخشی از بلاغت یونانی که شخصیت شما و آنچه گوینده را از نظر اعتبار یا صداقت به چه کسی تبدیل می‌کند، را بیان می‌کند، بخش اساسی گوش دادن، شنیدن و جدی گرفتن سخنان گوینده توسط افراد است.

ویتزینگتون استدلال می‌کند که در واقع، لوگوس در ساختار استدلال پولس، فصل ۲، آیات ۵ تا ۱۱ است که اگر مکالمه را به خاطر داشته باشید، آن را سرود مسیح می‌نامیم. لوگوس، در بلاغت یونانی، هسته، جوهره، بحث و نکته اصلی است که باید بسط داده شود. و سپس ویتزینگتون استدلال می‌کند که از آیات ۱۲ تا ۱۸، که در این مرحله به آن می‌پردازیم، عنصری از حس ترحم را خواهید یافت که همان احساس است.

بلاغت‌پردازان یونانی یا مکاتب بلاغی به شما می‌آموزند که اگر می‌خواهید مردم را در مورد هر کاری که باید انجام دهند متقاعد کنید، رعایت این سه جنبه کلیدی بلاغت بسیار مهم است. صداقت، جوهره، ارتباط عاطفی، حس ترحم و بُعد عاطفی شما در پذیرش آنچه انجام می‌دهید توسط مردم بسیار بسیار مهم هستند. من به هیچ وجه نمی‌گویم که ویتزینگتون در چارچوبی که در تفسیر خود تعیین کرده است، آنچه را که پولس سعی در انجام آن دارد، دریافته است.

نه، من واقعاً فکر می‌کنم ویتزینگتون نکته‌ای برای گفتن دارد، اما ممکن است او بیش از حد ماجرا را کش می‌دهد تا با آنچه که فکر می‌کند در حال وقوع است، مطابقت داشته باشد. نکته کلیدی این است که در این متن خاص، ما به آیات ۱۲ تا ۱۸ نگاه می‌کنیم و پولس درخواست بسیار قوی‌ای می‌کند. در این درخواست، آن جذابیت احساسی وجود دارد، و من معتقدم که جوهره اطاعت لازم است.

برادران، از شما درخواست می‌کنم، و این درخواست را به سه دلیل مطرح می‌کنم. بیایید به طرح کلی نگاه کنیم، و من آنها را در یک دقیقه باز خواهم کرد. پولس از کلیسا درخواست می‌کند که در اطاعت بدرخشند و به طور خاص بیان می‌کند که آنها باید نجات خود را با ترس و لرز به کار گیرند.

وای! این یعنی چی؟ آیا پولس برای لحظه‌ای اشاره می‌کند که رستگاری می‌تواند از طریق اعمال باشد؟ آیا این با آنچه او در جای دیگری گفته است، یعنی رستگاری تنها از طریق فیض، در تضاد نیست؟ به این فکر پایبند باشید - از خدا بخواهید که در اطاعت بدرخشد. رستگاری خود را با ترس و لرز به کار بگیرید، و من آن را تا چند دقیقه دیگر باز خواهم کرد.

دو، در رفتار خود بدرخشید. بی‌عیب و نقص و معصوم باشید. پولس این درخواست قوی را در آیات ۱۲ تا مطرح می‌کند: بله، همانطور که با ترس و لرز برای نجات خود تلاش می‌کنید، مهم است که از نظر نحوه ۱۸ نگاه عموم به شما، بی‌عیب و نقص باشید.

تو سزاوار سرزنش نیستی؛ تو مایه‌ی تحقیر خدایی که او را خوانده‌ای و به او ایمان آورده‌ای، نیستی. خدا باید با افتخار بگوید که او فرزند من است.

او در پیشگاه خدا بی‌عیب و بی‌گناه بود. پولس در وهله سوم از آنها خواهد خواست که با تقلید بدرخشند او در واقع آنها را به چالش می‌کشد تا به ویژگی بلاغی که تاکنون در فیلیپیان به شما اشاره کرده‌ام، نگاه کنند و پولس به آنها نشان خواهد داد که باید از افرادی که این کار را به خوبی انجام داده‌اند، به عنوان نمونه‌های خوبی برای پیروی استفاده کنند.

پس بیایید یکی یکی به این موضوع بپردازیم. تک تک، در اطاعت بدرخشید. با ترس و لرز، رستگاری خود را به کار گیرید.

پولس استدلال خواهد کرد که این حس اطاعت را حفظ کنید. چه من با شما باشم و چه نباشم، آن را حفظ کنید. در واقع، آیه ۱۲ اینگونه شروع می‌شود.

بنابراین، عزیزان من، همانطور که همیشه اطاعت می‌کردید، اکنون نیز چنین کنید. نه تنها در حضور من بلکه بسیار بیشتر در غیاب من. لازم نیست که من از نظر فیزیکی در کنار شما باشم تا شما مرا تحت تأثیر قرار دهید.

لازم نیست من از نظر فیزیکی در کنار شما باشم تا بتوانم تغییری در جامعه ایجاد کنم. در واقع، حضور من برای اینکه شما در این دنیای تاریک و کج، نوری باشید، ضروری نیست. و سپس، او زبان پیچیده‌ای را معرفی می‌کند.

وای. با ترس و لرز، راه نجات خودت را پیدا کن. توجه شما را به نکته‌ای جلب می‌کنم.

این یک تلاش جمعی برای عملی کردن است. ما اغلب، حداقل زمانی که من به عنوان یک مسیحی جوان بزرگ می‌شدم، شنیده‌ایم که تقریباً اینطور به نظر می‌رسید که، او، پولس در حال معرفی یک نسخه شریعت‌گرایانه از مسیحیت است و فقط سعی می‌کند آن را در گروی ما فرو کند. من می‌خواستم یک زندگی مقدس داشته باشم.

و با این حال، گاهی اوقات این آیه مرا می‌ترساند که اگر کاری را که قرار است انجام دهم، ممکن است همه چیز را از دست بدهم. این یکی از آن لحظاتی است که همیشه فکر می‌کردم، می‌دانید، اگر کسی

واقعاً کالونینست باشد، منبع بزرگی از دلگرمی است زیرا همکاران ارمنی سعی می‌کنند از این موضوع استفاده کنند تا ما را تا سر حد مرگ بترسانند.

خب، من قصد ندارم در مورد آن موضوع خاص خیلی بیشتر توضیح بدهم. در واقع این موضوعی است که شما می‌توانید بعد از گوش دادن به این سخنرانی با دوستتان در مورد آن بحث کنید. کالونینست چه می‌گوید و ارمنی در مورد نجات و از دست دادن نجات چه می‌گوید؟ اما نکته پولس این است که نجات خودتان را با ترس و لرز به دست آورید.

دستور زبان اینجا در یونانی قابل توجه است. جمع است و نه مفرد. پولس افراد را به تلاش برای نجات خود فرا نمی‌خواند.

او جامعه را فرا می‌خواند تا آن رستگاری را کشف کنند. و ما باید بتوانیم معنای آن کشف را بیشتر توضیح دهیم یا تفسیر کنیم. یکی از چیزهایی که شما به سرعت به آن اشاره می‌کنید این است که ما در نحوه استدلال خود در مورد چگونگی کارکرد رستگاری، بیش از حد از خودمان جلوتر می‌رویم.

«پولس در آیه ۱۳ به روشنی توضیح داد که این خداست که عمل می‌کند، و کلمه یونانی «عمل می‌کند» کلمه‌ای است که من خیلی دوست دارم. کلمه یونانی «ایگئو» است. می‌دانم، به شما قول می‌دهم که زیاد از کلمه یونانی استفاده نخواهم کرد.

اما ببخشید، چون بین این سخنرانی و سخنرانی بعدی، یک یا دو کلمه یونانی اضافه می‌کنم تا بعضی چیزها را روشن کنم. پس از من ناراحت نشوید. سعی می‌کنم ساده‌اش کنم.

است. کلمه‌ای که گاهی اوقات فرض می‌کنیم کلمه enegeo من پسر خوبی خواهم بود. کلمه یونانی اینجا از آن گرفته شده است energy انگلیسی.

می‌خواهم از نظر توانمندسازی، تجهیز، همدلی و الهام‌بخشی تمرین کنم. پولس در آیه ۱۳ می‌گوید، در واقع زیرا خداست که کار می‌کند، نیرو می‌بخشد، در شما قدرت می‌بخشد، هم برای خواستن و هم برای کار کردن برای خشنودی او. بنابراین لزوماً به این معنی نیست که به عنوان یک جامعه با نجات و لرز خود تمرین کنید، به معنای انجام آن بدون خدا است.

همه چیز به شما بستگی دارد؛ بیایید اول این را روشن کنیم. اما این باعث نمی‌شود که من از پرسیدن سوالی که در کلاس درس دانشگاه خیلی بحث‌برانگیز است، دست بردارم.

ناگهان، متوجه شدم چه کسی از پیشینه اعترافی ارمنی و چه کسی از پیشینه اعترافی کالونینستی می‌آید. تلاش برای یافتن راه نجات به چه معناست؟ اگر آن را کشف نکنید، آیا ممکن است نجات خود را از دست بدهید؟ آیا کشف راه نجات به شما کمک می‌کند تا در جایگاه نجات‌بخشی نزد خدا رتبه بالاتری داشته باشید؟ نجات خود را کشف کنید. همانطور که قبلاً به شما اشاره کردم، فاعل جمع است.

رستگاری به عنوان یک کلمه می‌تواند در اینجا به معنای رفاه باشد و مفهومی از مفهوم اجتماعی را در بر نیز داشته باشد، به این معنا که چگونه روزی همه ما scatological داشته باشد. اما می‌تواند یک مفهوم نجات خواهیم یافت. منظورم کسانی از ماست که به مسیح عیسی به عنوان پروردگار و ناجی خود ایمان داریم.

این به معنای نجات از طریق اعمال نیست. برای اینکه گیج نشویم، اجازه دهید فقط یک کتاب عالی را که بعداً در مورد آن به شما خواهم گفت، به شما یادآوری کنم. این کتاب بزرگی است. افسسیان فصل ۲. افسسیان فصل ۲، آیات ۸ تا ۱۰، می‌گوید: زیرا به فیض و از طریق ایمان نجات یافته‌اید.

و این کار شما نیست، بلکه موهبت خداست. به آیه ۹ توجه کنید. نه نتیجه اعمال، تا هیچ کس فخر نکند زیرا ما صنعت او هستیم که در مسیح عیسی برای کارهای نیکو آفریده شده‌ایم، کارهایی که خدا از قبل مهیا کرده است تا در آنها سلوک کنیم.

بنابراین، پولس در اینجا برخی از تحلیل‌های الهیاتی خود را که ما در قرن‌تین، رومیان، غلاطیان یا افسسیان می‌یابیم، مبنی بر اینکه رستگاری از طریق ایمان به مسیح است، نقض نمی‌کند. همانطور که شعار لوتر می‌گوید، تنها لطف و رحمت است. این ایمان است و تنها از طریق لطف است که ما نجات یافته‌ایم.

اینطور نیست که ما بتوانیم کار زیادی انجام دهیم. ما در واقع می‌توانیم رستگاری خود را با هر تلاشی یا با هر مقدار پولی بخریم. بنابراین، تلاش برای رستگاری خود با ترس و لرز، ببخشید، تلاش برای ورود به پادشاهی خدا نیست.

توجه داشته باشید که این دستورالعمل خطاب به افرادی است که از قبل مسیحی هستند. آنها برای مسیحی شدن نیازی به تلاش برای نجات خود نداشتند. آنها از قبل مسیحی هستند و نیاز دارند در این دنیای پر پیچ و خم بدرخشند.

کلمه اینجا، آنطور که من می‌فهمم، می‌تواند حس حمایت متقابل در تقدیس و تلاش برای داشتن زندگی شایسته انجیل را القا کند، به طوری که این امر بتواند بر زندگی فردی و کار فردی آنها از اکنون تا انتها تا زمان ظهور مسیح تأثیر بگذارد. اما آن حمایت متقابل در جامعه در مواجهه با انواع چالش‌ها، چه به دلیل زندگی در یک مستعمره رومی و چه به دلیل تمایل برخی از معلمان دروغین، در صورتی که بتوانند نجات خود را به صورت جمعی با حمایت از یکدیگر، برداشتن یکدیگر هنگام افتادن یکی از آنها و تشویق و در واقع توانمند کردن یکدیگر، چه به صورت یک شکل و چه به صورت دیگر، به دست آورند تا بتوانند مسیحیانی باشند که خدا می‌خواهد، وجود دارد. و اگر آنها این کار را با حس هیبت، نه وحشت یا ترس انجام دهند هیچ حس وحشتی وجود ندارد که خدا مانند این پدربزرگ شرور با عصای کج است. اوه، شما جرات انجام کار اشتباه را ندارید زیرا او با آن عصای کج به سر شما لگد خواهد زد.

نه، با حس شگفتی از اینکه خدایی که به او تعلق داریم و او را پدر خود می‌نامیم، خدایی بخشنده و مقدس است، جایگاهی که برای آن ارزش قائلیم و به آن احترام می‌گذاریم. می‌خواهیم در آن جامعه باقی بمانیم و می‌خواهیم در نحوه زندگی خود به او احترام بگذاریم. آن حس شگفتی، آن حس لرز که می‌گوید نمی‌خواهم خدا را ناامید کنم، و نمی‌خواهم بگذارم برادر یا خواهرم در مسیح خدا را ناامید کند.

من تمام تلاشم را خواهم کرد تا حمایتی را که آنها نیاز دارند، فراهم کنم. تا جایی پیش می‌روم که می‌گویم اگر تمرین کردن به صورت جمع، نجات ما را با ترس و لرز با این مفهوم ضمنی درک کنیم، منطقی‌تر خواهد بود. اما بگذارید به شما بگویم که دیگران چه می‌گویند، چون دوست دارم فقط نظر من را داشته باشید.

می‌خواهم بدانی دیگران در این مورد چه می‌گویند. یکی از محققان هنوز می‌نویسد: در حالی که قرار است فیلیپیان نجات خود را بیابند، قرار نیست برای آن تلاش کنند. در واقع، تحقق نجات توسط جماعت، مبتنی بر نیروی درونی الهی است و توسط آن امکان‌پذیر می‌شود.

پولس معتقد است که خداوند به آنها انگیزه‌ای که انرژی یا مؤلفه‌ی انرژی‌بخش نامیده می‌شود و همچنین توانمندسازی برای زندگی مطیعانه را عطا می‌کند. فرانک، همکارم که واقعاً برایش احترام قائلم، این را اینگونه توضیح می‌دهد: وقتی پولس در فیلپیان ۲:۱۲ می‌گوید که مؤمنان باید نجات خود را ببابند، منظورش این نیست که آنها باید در روز آخر برای نجات تلاش کنند. در عوض، منظور او این است که آنها باید در حالی که منتظر تأیید نهایی جایگاه درست خود در برابر خدا در روز مسیح هستند، به شیوه‌ای شایسته‌ی انجیل مسیح رفتار کنند.

و شاید باید به شما یادآوری کنم که فرانک ریشه‌های کالوینیستی بیشتری دارد، اما به عنوان یک محقق مطالعات کتاب مقدس، سعی می‌کند تا حد امکان بی‌طرف باشد. اما فکر کردم باید این سلب مسئولیت را به شما بدهم. بگذارید به شما نشان دهم که بن ویتزینگتون در این مورد چه می‌گوید.

همچنین باید یک نکته‌ی دیگر را هم اینجا مطرح کنم. بن ویتزینگتون بیشتر از دیدگاه آرمینیوس می‌آید. به نکات ظریفی که در نحوه‌ی توضیح این موضوع توسط او وجود دارد، توجه کنید.

بن می‌گوید پولس واقعاً معتقد است که رفتار مسیحیان پس از گرویدن، هم بر روند فعلی تقدیس و هم در صورت وقوع اتفاقی جدی مانند ارتداد، بر رستگاری نهایی آنها تأثیر می‌گذارد. این یک محقق آرمینیوس است که سعی دارد یک چارچوب الهیاتی را که می‌گوید شما می‌توانید رستگاری خود را از دست بدهید، با این آزمون که می‌گوید نحوه همکاری جامعه در تقدیس آنها ممکن است بر رستگاری نهایی آنها تأثیر بگذارد، ترکیب کند. این موضوع مرا به دومین درخواست می‌رساند.

به یاد داشته باشید، اولین درخواست، درخشیدن در اطاعت است. درخواست دوم، همانطور که به آیات ۱۸ تا ۱۸ نگاه می‌کنیم، درخواست درخشیدن در رفتار است. درخواست درخشیدن در رفتار ۱۲

بی‌عیب و نقص بودن. بی‌گناه بودن. و باید به شما یادآوری کنم که پولس سریعاً گفت که بی‌عیب و نقص بودن چیزی نیست که از جایی به دست آید.

در واقع، از آیه ۱۵، او ادامه می‌دهد و می‌گوید، که برای من آیه بسیار مهمی در این متن است، که شما بی‌عیب و نقص و معصوم باشید، و او این را همین‌جا رها نمی‌کند. او در واقع تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید. فرزندان خدا بی‌عیب و نقص در میان نسلی کج و منحرف که در میان آنها مانند نور در جهان می‌درخشید. وای! بی‌عیب و نقص باشید.

و بخشی از اهمیت این موضوع به این دلیل است که شما فرزندان خدای مقدس هستید. به مفهوم خویشاوندی که سعی کرده‌ام در این مجموعه سخنرانی‌ها با شما در میان بگذارم فکر کنید. به عنوان فرزندان خدا در جامعه‌ای که آبروی خانواده به نحوه رفتار اعضای خانواده گره خورده است.

پولس آنها را کنار می‌زند. پولس آنها را عزیزان من نامیده است. او از آنها به عنوان برادران و خواهران من یاد خواهد کرد.

در اینجا، او می‌گوید شما می‌خواهید بی‌گناه و بی‌عیب باشید زیرا فرزندان خدا هستید. هویت شما ریشه در خدای مقدس دارد. خدایی که خدای بزرگی است.

خدایی که خدای مقدس است و باید در جامعه مورد احترام و تکریم قرار گیرد. و تکریم او در نحوه زندگی شما منعکس می‌شود. ضمناً، پولس روشن خواهد کرد که آیا دنیایی را که در آن زندگی می‌کنید، درک نمی‌کنید یا خیر.

این دنیای بیرون، دنیای کج و معوج است. او در آیه ۱۵ آنها را به چالش می‌کشد تا بگویند به همین دلیل است که آنها ترغیب شده‌اند بدرخشند. مانند نور بدرخشند.

اینطور نیست که بگویند یک چراغ قوه بردار و بعد به آن نقطه تاریک اشاره کن. نه، این چیزی نیست که پولس می‌گوید. یک محیط بسیار تاریک را تصور کنید.

چیزی که تصویرسازی پاول سعی در نمایش آن دارد، جهانی است که در آن نوری که یک خانواده معمولی استفاده می‌کند معادل چراغ یخچال‌های امروزی ماست. و می‌تواند این چراغ با شاخه‌ای کوچک و مقداری روغن در کنارش باشد. و یک محیط بسیار تاریک و ضحیم را تصور کنید.

و شما آن چراغ کوچک را روشن کردید. ببخشید، مثل یک چراغ قوه نیست که نور را به یک نقطه بسیار کوچک و باریک بتاباند. اما این یک نور است، کوچک یا بزرگ، که نور را برای غلبه بر تاریکی اطراف خود در محدوده‌اش می‌تاباند.

سپس پولس از آنها درخواست می‌کند: بی‌عیب و نقص و معصوم باشید و بدرخشید. در واقع با رفتارشان بدرخشید.

بگذارید خدا در این دنیا از طریق نحوه زندگی شما شناخته شود. وای. وای.

وای. وقتی به این چیزها در مورد پولس فکر می‌کنیم، نه تنها هویت مهم است، بلکه صداقت نیز بسیار مهم است. زیرا سایر مردم جهان به نحوه رفتار فرزندان خدا نگاه می‌کنند.

در مستعمره روم، مردمی که کنجکاوانه نمی‌گفتند قیصر، قیصر خداوند است، اما مردمی که کنجکاوانه می‌گفتند عیسی، مردمی که این خداوندی را به مسیح نسبت می‌دهند، به این نگاه می‌کنند که این افراد چگونه زندگی خود را می‌گذرانند. و صداقت در جهان مهم است. به همین دلیل است که می‌توانم روشن کنم که برای ما مسیحیان گاهی اوقات گفتن اینکه، اوه، من زندگی مسیحی خودم را می‌کنم، بسیار بی‌فایده است.

این زندگی خصوصی من است. بگذار مردم مزاحم نشوند. تا حد زیادی، این درست است.

اما در چارچوب این متن خاص، درک این نکته نیز مهم است که ما در کلیسا حافظ یکدیگر هستیم. و نحوه زندگی ما به عنوان یک جامعه ایمانی، چه مثبت و چه منفی، با جهان سخن می‌گوید. پولس با تأکید بر «جنبه‌های مثبت می‌گوید»: بدرخش.

چراغ را خاموش کن. بگذار نوری که می‌آورد، بگذار شرافت اخلاق که می‌آورد آنقدر بدرخشد که تاریکی را فتح کند. من که در یک روستای آفریقایی بدون برق بزرگ شده‌ام، می‌دانم تاریکی چیست.

و این شگفت‌انگیز است، مهمانی که ما در ایالات متحده می‌بینیم، و می‌گوییم، اوه، ماه فوق‌العاده‌ای است. و چقدر کم قدر نوری را که ماه می‌آورد می‌دانیم. در روستای من، ماه کامل مثل بهترین برق اطراف است.

هرچه فضا تاریک‌تر باشد، نور روشن‌تر است، چقدر کوچک است. پولس مسیحیان فیلیپی را به چالش می‌کشد، شاید همانطور که من و شما را که به خداوند عیسی مسیح به عنوان پروردگار و ناجی خود ایمان داریم، به چالش می‌کشد تا در رفتار بدرخشیم، بی‌عیب و نقص و معصوم باشیم. در دنیای کج و معوج

است، ما برای تحت تأثیر قرار دادن جهان زندگی نمی‌کنیم، بلکه برای این زندگی می‌کنیم که الگوی خوبی برای جهان باشیم.

و پولس، در موضع سازش‌ناپذیر خود، خواهد گفت که امیدوار است. خب، او همین حالا هم بر آنها غلبه کرده است. او در واقع می‌گوید، من از شما انتظار دارم که اینگونه زندگی کنید، و من در واقع روی دریافت تاج‌هایی برای نحوه زندگی شما در روز مسیح حساب می‌کنم.

به عبارت دیگر، نحوه زندگی ما در اینجا، جلال خدا را به ارمغان می‌آورد و پیامدهای آخرالزمانی دارد. در این زمینه، برای پولس، در واقع در روز مسیح است که خبر خوش خواهد بود. اما همچنین به ما یادآوری می‌کند که زندگی ما در اینجا پایان همه چیز نیست.

چیز دیگری در پیش است. در آیه ۱۶، او ادامه می‌دهد و می‌گوید، و من می‌خوانم، به کلام حیات چنگ در holdout می‌زنم، تا در روز مسیح افتخار کنم که بیهوده ندویده‌ام و بیهوده زحمت نکشیده‌ام. عبارت برخی ترجمه‌ها به معنای محکم نگه داشتن ترجمه شده است.

برای درک این نکته که پولس انتظار دارد کلام خدا، انجیل، محکم و استوار بماند، محکم و استوار ماندن بسیار مهم است. و این را می‌توان فهمید. می‌توان گفت که این به معنای محکم و استوار ماندن در آن است. یا به معنای داشتن دیدگاهی بشارتی مبنی بر اینکه ما به سوی جهان می‌رویم و به آن دست خواهیم یافت.

در هر صورت، بله، برخی از مفسران دوست دارند این تفاوت را ایجاد کنند. اما من یکی از کسانی هستم که می‌گویم، می‌دانید چیست، به هر حال مؤلفه‌های بشارتی و مأموریتی وجود دارد. بنابراین، نحوه زندگی من می‌تواند همسایه‌ام را به مسیح برساند.

و همچنین می‌توانم انجیل را به همسایه‌ام برسانم. آیا آن بیان، نمی‌دانم منبش چیست، را می‌شناسی که انجیل را به هر وسیله‌ای و در صورت لزوم، با کلمات موعظه می‌کند؟ اگر زندگی خود را به شیوه‌ای شایسته مسیح زندگی کنید، با درخشیدن، مسیح را به جهانیان نشان می‌دهید.

ضمناً، به همین دلیل است که در برخی ترجمه‌ها، «استوار ماندن» و «با قدرت ماندن» را خواهید دید. فقط می‌خواهم به شما پیشنهاد کنم که اگر به اطلاع‌رسانی علاقه‌ای ندارید، اگر به بشارت دادن علاقه‌ای ندارید، پس بگویید، اوه، من می‌خواهم محکم بمانم چون برای من جواب می‌دهد. من فقط سعی می‌کنم به شما تأکید کنم که هر دو، اجزای بشارتی و مأموریت‌شناختی دارند.

درخشیدن در دنیای فاسد، یک فعالیت تبلیغی است و ما می‌خواهیم آن را جدی بگیریم. این مرا به درخواست بعدی‌ام می‌رساند، درخواست تقلید. من زمانی یک پوستر داشتم.

منی‌دانم از طریق انتشارات استاندارد یا جای دیگری به دستم رسیده است. و نکته‌ی جالبی در مورد این پوستر خاص پیدا کردم. پوستر تصویری داشت که سعی می‌کنم اینجا بگذارم، یک مرد مسن‌تر و یک مرد جوان.

و در آن پوستر خاص، مرد مسن‌تر دست مرد جوان را گرفته است. و سپس این نوشته زیر آن نوشته شده است: چه بدانید چه ندانید، کسی شما را تعقیب می‌کند.

رهبر خوبی باش. می‌توانم به شما بگویم که من یک رهبر جوان بودم. من یک واعظ جوان بودم.

من سعی می‌کردم بهترین عملکردم را داشته باشم، اما چندین اشتباه مرتکب شدم. من همیشه دعا می‌کردم و سخت تلاش می‌کردم تا بهترین رهبری باشم که می‌توانم. چرا باید با این پوستر خاص مواجه شوم؟ منظورم این است که این پوستر حتی از من چیزهای بیشتری می‌خواهد، چون من تقریباً همسن اکثر افرادی بودم که به عنوان کارگردان در «جوانان برای مسیح» رهبری می‌کردم.

وای! اما نکته این است که، چه شما بدانید و چه ندانید، کسی شما را تعقیب می‌کند. پولس از طریق تقلید، شما را می‌درخشاند - آیه ۱۷.

حتی اگر من همچون هدیه‌ای بر قربانی ایمان شما ریخته شوم، خوشحالم که شما شادمان هستید. به همین ترتیب، شما نیز باید شاد و خوشحال باشید. به آنچه پولس انجام می‌دهد نگاه کنید و بگذارید این منعکس کننده نگرش شما باشد.

آن مرد در زندان همان است؛ اگر یادتان باشد، در ابتدای سخنرانی‌هایم در مورد فیلیپیان، گفتم زیرش خط بکشید، شادی کنید، شادی کنید. این یک مرد در زندان است. وقتی خودتان در زندان هستید، این موضوع آهنگ شما نیست.

من می‌گویم از من یاد بگیرید تا شما هم بتوانید این کار را انجام دهید. این پایان داستان پولس برای الگوبرداری نخواهد بود، زیرا او در واقع شروع به تعیین این می‌کند که چگونه افراد خاص، از جمله خودش، باید نمونه‌های خوبی برای این کلیسا باشند. اما این فقط یک طرح کلی است.

بگذارید فقط توجه شما را به یک جمله خاص در آیه ۱۴ جلب کنم. وقتی کتاب مقدس می‌گوید، همه کارها را بدون غرغر و بحث انجام دهید، اگر هر تفسیری از فیلیپیان را بخوانید، خواهید دید که در بیشتر موارد بین سه تا پنج صفحه به بحث در مورد این متن خاص اختصاص داده شده است. و برخی می‌گویند، اوه، این اشاره‌ای به این قسمت از عهد عتیق است.

من تا یک دقیقه دیگر آن قسمت‌ها را به شما نشان می‌دهم. و آنها خواهند گفت، بیایید سعی کنیم به این سوال پاسخ دهیم که چگونه به تمام این قسمت‌های انجیل یوحنا مربوط می‌شود. اما من نمی‌خواهم اینقدر بی‌اعتنا باشم.

بنابراین، می‌خواهم این قسمت‌ها را به شما نشان دهم. وقتی به ماره رسیدند، نتوانستند از آب ماره بنوشند زیرا تلخ بود - با توجه به خروج ۱۵:۲۳، ۲۵.

از این رو، آن را مازه نامیدند. و قوم از موسی شکایت کرده، گفتند: «چه بنوشیم؟» او نزد خداوند فریاد برآورد و خداوند کنده‌ای به او نشان داد. آن را در آب انداخت و آب شیرین شد.

نکته کلیدی اینجاست که مفسران به غر زدن مردم بسیار علاقه‌مند هستند زیرا آیه ۱۴ در مورد غر زدن صحبت می‌کند. و بنابراین، آنها می‌خواهند خیلی سریع بگویند که غر زدن یا بحث کردن مربوط به عهد عتیق است. بیایید در اینجا به برخی ارتباطات پردازیم.

همچنین می‌توانید این ارتباط را از خروج ۱۶، آیه ۲ ببینید. در جایی که این متن را می‌یابیم، و تمام جماعت قوم اسرائیل در بیابان از موسی و هارون شکایت کردند. با این حال، می‌توان فهمید که این یک کنایه است. برخی معتقدند که حتی کنایه قوی‌تری در خروج ۱۶، آیات ۷-۹ یافت می‌شود.

و بامدادان، جلال خداوند را خواهید دید، زیرا او شکایت‌های شما را از خداوند شنیده است. زیرا ما چه هستیم که از ما شکایت کردید؟ و موسی گفت: وقتی خداوند عصرها گوشت به شما می‌دهد تا بخورید و صبح‌ها نان تا سیر شوید، زیرا خداوند شکایت‌های شما را شنیده است که از او شکایت می‌کنید. ما چه هستیم؟ شکایت‌های شما از ما نیست، بلکه از خداوند است.

سپس موسی به هارون گفت، به تمام جماعت بنی اسرائیل بگو، به حضور خداوند نزدیک شوید، زیرا او شکایت شما را شنیده است. پس می‌بینید که شکایت‌ها ادامه دارد. پس، این یک ارتباط کاملاً واقعی است.

این اشاره‌ای به عهد جدید به غر زدن است، همانطور که در فصل ۶ یوحنا می‌بینیم. بنابراین، یهودیان از او غرغر کردند زیرا او گفته بود، من نانی هستم که از آسمان نازل شده است. غرغر کرد. من کلمه غرغر کردن را دوست دارم.

فکر می‌کنم آمریکایی‌ها کلمه غرغر کردن را بیشتر دوست دارند. می‌دانید، من مدت زیادی را در انگلستان گذراندم و یکی از نکات جالب در مورد نحوه نگاه انگلیسی‌ها به این موضوع این است که گاهی اوقات از کلمه عزاداری استفاده می‌کنند. شنیدن کلمه عزاداری تقریباً افسرده‌کننده است.

می‌دونی، این عزاداریه. منظورم اینه که، این شکایتیه. نه، این شکایت نیست.

این عزاداری است. و بنابراین، بیایید بگوییم، می‌دانید، می‌توانید ارتباط برقرار کنید. می‌توانید این مضمون را در مورد چگونگی گله و شکایت مردم و چگونگی تکرار آن در تاریخ نجات قوم اسرائیل ببینید.

و سپس، حتی وقتی به اول قرن‌تین ۱۰:۱۰ می‌رسیم، می‌توانید زبان گله و شکایت را ببینید. و بنابراین، آنها این ارتباط را برقرار می‌کنند تا بگویند که این می‌تواند کنایه‌ای برای پولس باشد تا در اینجا استدلال خود را تقویت کند و به جای گله و شکایت، مردم را به اطاعت کامل از آنچه خدا انجام می‌دهد فرا بخواند و از شکایت و مشاجره دست بردارد. با این حال، من این سوال را پرسیده‌ام، آیا خوانندگان غیریهودی، تا آنجا که ما می‌دانیم، جمعیت یهودی زیادی در فیلیپی وجود نداشت که آنها حتی کنیسه داشته باشند؟

آیا آنها این را می‌دانستند؟ یا این فقط یک تصادف محض است؟ یا اینکه پیشینه یهودی پولس به او کمک می‌کند تا این ارتباط را برقرار کند؟ شما خودتان تصمیم می‌گیرید. اما نکته این بود که خدا همیشه مداخله کرده بود. خدا همیشه برای رسیدگی و اصلاح امور، وقتی مردم گله و شکایت می‌کنند، وارد عمل شده است.

همچنین جالب است که وقتی این متن را به شما نشان می‌دهم، یکی از چیزهایی که به ذهنم می‌رسد این است که چه عهد عتیق باشد و چه عهد جدید، به نظر می‌رسد در جامعه‌ی قوم خدا، مردم از غر زدن خوششان می‌آید. آیا شما از غر زدن خوشتان می‌آید؟ فقط روی یک برگه کاغذ جلوی خودتان بنویسید که از چه چیزی دوست دارید غر بزنید. و بیایید شروع به درک این موضوع کنیم که ما به چالش کشیده شده‌ایم تا به دیگران التماس کنیم، و پولس از ما می‌خواهد که در اطاعت بدرخشیم، در رفتار بدرخشیم و در تقلید بدرخشیم.

و حالا، در انتهای این سخنرانی، به شما نشان خواهم داد که چگونه او دو نفر را انتخاب می‌کند، اما من روی یکی تمرکز خواهم کرد و در سخنرانی بعدی‌مان از نفر دوم شروع خواهم کرد، کسی که در مسیر اطاعت گام برداشته و مانند نور می‌درخشد. او تیموتائوس و اپافرودیتوس را مثال می‌زند. نامی بزرگ، تلفظی دهان‌گشاد، اپافرودیتوس.

پولس از این فرصت استفاده می‌کند تا این نمونه‌های آشنا را به عنوان افرادی که آنچه را که او از کلیسا می‌خواهد، تجربه کرده‌اند، ارائه دهد. او قصد خود را برای ارتباط، یعنی بازگشت تیموتائوس به سوی آنها

بیان می‌کند. او تمایل و معنای آمدن اپافرودیتوس برای آنها، کاری که اپافرودیتوس از طرف آنها انجام داده است، و آنچه او، یعنی پولس، برای ارتباط با این جماعت می‌خواهد را بیان می‌کند.

طبق معمول، پاول ویژگی‌های واقعی خود را نشان خواهد داد. من این را دوست دارم. می‌خواهم به دانشجویانم خاطرنشان کنم که چه در ایالات متحده، اروپا یا آفریقا باشم، بیایید از پاول یاد بگیریم.

افرادی که با من کار می‌کنند، ویژگی‌های برجسته‌ای دارند. بیایید به دنبال آن ویژگی‌ها بگردیم. وقتی که بیشترین اهمیت را دارد، بیایید به دیگران اطلاع دهیم و به آنها بگوییم که ما این ویژگی‌های عالی را در بین آنها مشاهده کرده‌ایم.

و پولس دقیقاً همین کار را خواهد کرد. او با مثال زدن در مورد تیموتائوس می‌گوید: «تیموتائوس، تو می‌خواهی چیزی در مورد تیموتائوس بدانی.» تیموتائوس به خاطر همفکری با پولس مورد تحسین قرار گرفته است.

او همفکر بوده است. او کسی نبوده که پولس بگوید، بیایید این کار را انجام دهیم. او می‌گوید، اوه، من با این مخالفم.

اوه، من در این مورد دیدگاه متضادی دارم. در واقع، کلمه، کلمه یونانی که در آنجا استفاده می‌شود، گاهی اوقات مشکل‌ساز است زیرا این کلمه می‌تواند به معنای واقعی کلمه به عنوان یک جفت روحی ترجمه شود. و همانطور که توجه شما را جلب می‌کنم وقتی به فیلمون می‌رسیم، به عنوان بحث، می‌دانید، اگر به آن سخنرانی نگاه کنید، توجه شما را به این نکته جلب می‌کنم که چگونه برخی از محققان می‌گویند، اوه، در واقع، پولس در آنجا فعالیت همجنس‌گرایانه داشته است.

لطفاً، این کلمه خاص که می‌تواند به عنوان جفت روحی ترجمه شود، نباید به اشتباه به عنوان صحبت پولس در مورد رابطه همجنس‌گرایانه با تیموتائوس تعبیر شود. خوب است که هنوز هیچ محقق با جسارت چیزی در این راستا نگفته است، اما من فقط می‌خواهم به هر کسی که این مجموعه سخنرانی‌ها را دنبال می‌کند هشدار دهم. نکته اینجا این نیست.

همفکر بودن، جفت روحی بودن، به معنای داشتن نوعی ارتباط عاطفی صمیمانه و طرز فکری است که شما را به همکاری و انجام کارها با هم متقاعد می‌کند. تیموتی برای پولس اینگونه بود. نکته خوب این است که پولس می‌خواست کلیسا بداند که تیموتی این روحیه تیمی را دارد.

او نگرانی واقعی را نشان می‌دهد. در واقع، کلمه‌ای که در اینجا به نگرانی ترجمه شده، اضطراب است. اکنون ما، کلمه‌ای است که ما در عهد جدید اغلب به عنوان اضطراب، اضطراب شبانی ترجمه می‌کنیم.

او واقعاً برای کلیسا نگران بوده است، زیرا او یکی از کسانی است که بیشتر از خودش به دیگران فکر می‌کند. آیا فیلیپیان، فصل ۲، آیه ۴ را به خاطر دارید؟ منافع دیگران را بیشتر از خودتان در نظر بگیرید. تیموتائوس این الگو را در زندگی خود به کار گرفته است.

و سوم، پاول می‌گوید، او مثل یک پسر است. در واقع، او همانطور که به پدرش خدمت می‌کرد، به من هم خدمت کرد، و من افتخار می‌کنم که از او مثل یک پسر صحبت کنم. باز هم خوشاوندی

پاول با گفتن این جمله، یک مفهوم آشنا را معرفی می‌کند، و من فقط می‌خواهم بدانید، این نوع پسری است که اگر او اینجا با من و شما بود و همه ما جلوی یک جمع بودیم، دوست داشتم به پشتش بزنم و به شما بگویم، ببینید، این پسر من است. من به او افتخار می‌کنم. و می‌خواهم بدانید که من به او افتخار می‌کنم.

آخرین باری که از کسی که با او کار می‌کردید، به خاطر ویژگی‌های واقعی که در او مشاهده کردید، تعریف کردید، کی بود؟ به طور خاص در مورد کار او با خدا. پولس برای نشان دادن اینکه تیموتائوس نمونه خوبی برای کلیسای فیلیپی است، وقت می‌گذاشت. آنها باید از او درس بگیرند.

او در واقع، کلمه، کلمه یونانی ترجمه شده، را ثابت کرده است که شخصیت در اینجا این حس را دارد که زندگی مسیحی او آزمایش شده و خلوص آن ثابت شده است. او در آزمون زمان ایستاده، ثابت قدم مانده و صداقت خود را به عنوان یک مسیحی حفظ کرده است. این ویژگی‌ای است که باید در مورد تیموتائوس بدانید.

پنجم، پاول امیدوار است او را به فیلیپی بفرستد تا شاید الگویی در او پیدا کنند. وای، من این را دوست دارم می‌دانم، یا شاید باید بگویم، نمی‌دانم چند نفر قرار است بنشینند و بگویند، اگر کسی همین‌طوری بلند شود یا رئیس فقط یک قلم و کاغذ بردارد یا پشت کامپیوترش بنشیند یا یک آی‌پد بردارد، خوشحال نمی‌شوم.

چیزی که به ذهنم می‌رسد این است که فهرستی از ویژگی‌های برجسته‌ام بنویسم تا به دیگران بگویم که چه نمونه‌ی خوبی در شرکت بوده‌ام و شایسته‌ی الگوبرداری هستم. دقیقاً سخنان پولس درباره‌ی ویژگی‌های تیموتائوس را بخوانم. اجازه دهید آیات ۱۹ تا ۲۴ را بخوانم.

پولس این را اینگونه توضیح می‌دهد. من به خداوند امیدوارم که به زودی تیموتائوس را نزد شما بفرستم تا من نیز از شنیدن خبر شما شاد شوم. زیرا من کسی را مانند او ندارم که واقعاً نگران رفاه شما باشد.

زیرا همه آنها در پی منافع خود هستند، نه منافع عیسی مسیح. تیموتائوس از این قاعده مستثنی است. اما شما ارزش اثبات شده تیموتائوس را می‌دانید.

چگونه او، همچون پسری که پدری دارد، این را در انجیل به من گفته است. بنابراین، امیدوارم به محض اینکه ببینم اوضاع برای من چگونه پیش خواهد رفت، او را بفرستم. و به خداوند توکل دارم که خود نیز به زودی خواهد آمد.

وای. این روشی است که یک محقق سعی می‌کند آن کلمه پیچیده را توضیح دهد. می‌خواهم با نزدیک شدن به پایان این سخنرانی خاص در مورد رابطه پولس با تیموتائوس، ذهن شما را تازه کنم.

پولس می‌گوید که او کلمه یونانی به معنای هم‌فکر با تیموتائوس است. این اصطلاح به رابطه‌ای اشاره دارد که شامل برابری و همسانی شخصیت است. پولس و تیموتائوس عشق و توجه عمیق و یکسانی نسبت به فیلیپیان داشتند.

شاید تا حدودی به این دلیل که تیموتائوس در تغییر کیش آنها نقش داشته است. اما من نمی‌خواهم شما را در مورد رابطه پولس با تیموتائوس بدبین کنم. پولس همه این حرف‌ها را به تیموتائوس نمی‌زند؛ این صرفاً چاپلوسی است.

او تیموتائوس را می‌شناسد. و بگذارید یادآوری کنم که در جای دیگری، پولس را می‌بینیم که درباره مردی به نام تیموتائوس صحبت می‌کند. از اعمال رسولان ۱۶، آیات ۱ و ۲، می‌دانیم که پولس در واقع با این مرد در لستره برخورد داشته است.

او مرد خوشنامی بود. ما همچنین در همان اعمال رسولان ۱۶ می‌دانیم که تیموتائوس نیمی یهودی و نیمی غیریهودی بود و در واقع، پولس او را ختنه کرد. او چنان به کار خود با خدا متعهد بود که پولس مطمئن نبود که تیموتائوس چگونه قرار است با فشار یهودیان مقابله کند، کسانی که همیشه اصرار دارند که برای مسیحی خوب بودن باید ختنه شد.

بنابراین، پولس او را ختنه کرد. در بحث دیگری در مورد تیموتائوس، دانش‌آموزان پرسیدند که چرا او نیمه یهودی است و ختنه نشده است. خب، مشکل از پدرش است. اگر پدرش یونانی بود، پدرش تعیین می‌کرد که این اتفاقات چگونه رخ می‌دهد.

یک چیزی که ما با اطمینان می‌دانیم این است که پولس او را ختنه کرد. در دوم تیموتائوس، در دوم تیموتائوس ۱ آیه ۵ به ما یادآوری می‌شود که مادر او، اُفنیکی، و مادر بزرگش، لویی، افراد بسیار خداترسی بودند. در واقع، آنها سنتی را که پولس آن را ستودنی می‌دانست، به نسل بعد منتقل کردند.

به عبارت دیگر، تربیت تیموتائوس، تربیت الهی بود. او در لستره به عنوان مردی خوشنام شناخته می‌شد. وقتی پولس او را دید، کسی را پیدا کرد که بتواند با او معاشرت کند.

ما می‌دانیم که در بسیاری از موارد، پولس با تیموتائوس سفر می‌کرد. در بسیاری از نامه‌های پولس، او خود را به عنوان کسی که با تیموتائوس می‌نوشت معرفی می‌کرد. به عبارت دیگر، آنچه پولس در مورد تیموتائوس در فیلیپیان گفته و ما دیده‌ایم، چیزی نیست که پولس فقط در جایی از نوعی زبان تملق‌آمیز استفاده کند.

او با تمام صداقت می‌گوید که این مرد را می‌شناسد. او مرد درستکاری است. کسی است که می‌توانیم روی او حساب کنیم.

او واقعاً به مردم اهمیت می‌دهد. در واقع، او نمونه خوبی برای کلیسا است تا از او پیروی کند. تا اینجا، با توجه به بحثی که در این سخنرانی خاص خواهیم داشت، فصل دوم فیلیپیان با این جمله شروع می‌شود: بگذارید این حس وحدت وجود داشته باشد، اگر تسلی و تسلی وجود دارد، هرگونه تشویق و حس قوی وحدت باید در کلیسا ایجاد شود.

و سپس گفت، آیه ۴، بگذارید ذهن مسیح در شما باشد و به نشان دادن طرز فکر مسیح که او را وادار به پیمودن راه سخت اطاعت می‌کند، ادامه دهید و اینکه چگونه در نتیجه، خدا او را سرافراز کرد و نامی برتر از هر نام دیگری به او بخشید. بر این اساس، پولس کلیسا را به چالش می‌کشد که آنها نیز در اطاعت گام بردارند و از آنها می‌خواهد که بدرخشند. او از آنها می‌خواهد که در اطاعت بدرخشند.

او از آنها خواست که در رفتارشان بدرخشند. او از آنها خواست که با تقلید بدرخشند. سپس یک نمونه از اطاعت را نشان می‌دهد.

تیموتائوس. تیموتائوس نمونه بسیار خوبی از اطاعت و پیروی است. در واقع، منظور او این است که همراهی با مسیح یک مفهوم انتزاعی نیست.

در واقع، تمام دستورالعمل‌هایی که او در مورد چگونگی درخشش مسیحیان در جهان ارائه می‌دهد، قابل انجام است. او ابتدا یک نفر را برای نشان دادن دارد که این کار را انجام داده است. او همچنین قبل از پایان فصل ۲، نفر دومی را برای نشان دادن دارد که آن شخص نیز این کار را انجام داده است.

و بگذارید قبل از اینکه واقعاً این سخنرانی خاص را تمام کنید، کمی ذهن‌تان را به کار بیندازم. پولس قرار است به کلیسا بگوید که تیموتائوس نمونه‌ی بسیار خوبی است و آن شخص دیگر، اپافرودیتوس، نیز نمونه‌ی بسیار خوبی است. و بنابراین، وقتی برگردیم، توجه شما را به این واقعیت جلب می‌کنم که برای پولس، او یک نمونه‌ی خوب به نام اپافرودیتوس را نشان خواهد داد.

مردی که به عنوان رفیق پولس خدمت کرد. مردی که واقعاً شخصیت پاک و واقعی خود را نشان داد تا جایی که حاضر بود جان خود را برای دیگران به خطر بیندازد، همه در راه اطاعت از مسیح. و مردی که واقعاً آرزو داشت وقتی به فیلیپی برمی‌گردد، با آغوش باز از او استقبال کنند.

نمی‌دانم کسی را می‌شناسید که بتوانید بگویید واقعاً نمونه‌ی خوبی از چگونگی زندگی مسیحیان است یا نه. اما نمی‌خواهم از موضوع اصلی اینجا دور شوم. برای اینکه بدرخشیم، باید در اطاعت بدرخشیم.

اگر کسی را پیدا کردید که نمونه خوبی از اطاعت است و می‌خواهید از او تقلید کنید، اشکالی ندارد. اما اگر اینطور نیست، خود مسیح نمونه خوبی است. ما می‌توانیم در این مسیر اطاعت قدم برداریم.

در پایان این سخنرانی خاص، اجازه دهید مصراع خاصی از سرودی را که احتمالاً خوانده‌اید اما در مورد غنای اطاعت آموزش نداده‌اید، به شما یادآوری کنم. و مصراع اول آن اینگونه است: اعتماد کن و اطاعت کن.

زیرا هیچ راه دیگری برای شاد بودن در عیسی وجود ندارد جز توکل و اطاعت. تا ما در اتحاد در بدن مسیح زندگی کنیم. تا زندگی پر از شادی و آرامش و فیض داشته باشیم.

هیچ راه دیگری برای شاد بودن در عیسی وجود ندارد. جز اعتماد و اطاعت. از شما بابت ادامه‌ی مطالعاتتان. با ما در این مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس بسیار سپاسگزاریم.

امیدوارم از این لذت ببرید و مطالب ارزشمندی از پولس رسول بیاموزید. لطفاً به یادگیری و رشد با ما ادامه دهید. و من فقط امیدوارم و دعا می‌کنم که همه ما با هم، خدا را در شیوه زندگی خود جلال دهیم.

متشکرم.

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان. این جلسه ۱۳، توسل به درخشش، فیلیپیان ۲: ۱۲-۳۰ است.